**٦٩ - با اينکه ظهور انسان در اين کره حادث است با نظر بتمام کرات غير متناهيه هميشه در عالم بوده**

و نيز از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزيز: "نوع انسان لازم‏الوجود است بدون انسان کمالات ربوبيّت جلوه ننمايد ... انسان اشرف ممکنات است و جامع جميع کمالات و جميع کائنات و موجودات جلوه گاه تجلّی الهی است امّا حقيقت انسانيّه حقيقت جامعه است حقيقت کلّيه است جلوه گاه تجلّی جميع کمالات الهيّه است ... لهذا ربوبيّت الهيّه که مستجمع جميع کمالات است تجلّی در حقيقت انسانی کرده ... اگر انسان نباشد عالم وجود نتيجه ندارد چه که مقصد از وجود ظهور کمالات الهيّه است لهذا نميشود که بگوئيم که وقتی بوده که انسان نبوده منتهی اين است که اين کره ارضيّه نبوده ولی اين مظهريّت کامله از اوّل لا اوّل الی آخر لا آخر بوده."

و قوله الکريم: "اگر تصوّر زمانی کنيم که انسان در عالم حيوانی بوده يعنی حيوان محض بوده وجود ناقص بوده معنيش اين است که انسانی نبوده و اين عضو اعظم که در هيکل عالم بمنزله مغز و دماغ است مفقود بوده است پس عالم ناقص محض بوده است ... مکمّليت وجود مختل بود اگر عضو اعظم در اين هيکل نباشد البتّه هيکل ناقص است زيرا در بين کائنات انسان جامع کمالات وجود است ... تصوّر نمائيد وقتی آفتاب موجود نبوده است بلکه آفتاب نيز ستاره بوده البتّه آنزمان روابط وجود مختل بوده ... چون مکمّليت اين کلّ منبعث از اجزاء عناصر مرکّبه و مقادير آن عناصر و نحويّت امتزاج و تفاعل و مفاعيل کائنات مختلفه حاصل گشته لهذا ده هزار سال و يا صد هزار سال پيش چون انسان از اين عناصر خاکی و بهمين نحويّت ترکيب و امتزاج و بهمين مفاعيل سائر کائنات بوده پس بعينه آن بشر همين بشر بوده است و اين امر بديهی است قابل تردّد نيست يعنی هزار مليون سال بعد از اين اگر اين عناصر انسان جمع شود و به همين مقادير تخصيص و ترکيب شود و بهمين نحويّت امتزاج عناصر حاصل گردد و بهمين مفاعيل از سائر کائنات متأثّر شود بعينه همين بشر موجود گردد."